

قلدری در مدرسه!

سعیدفرمانی

دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تبریز

بررسی مداخله زود هنگام پدیده قلدری دانش آموزان



چکیده

قلدری پدیده‌ای چندبعدی و متأثر از عوامل شخصیتی و محیطی است. هر جا که چند نفر با یکدیگر در ارتباط باشند احتمال بروز قلدری وجود دارد. یکی از عوامل مهم در بروز قلدری در میان دانش‌آموزان سبک فرزندپروری والدین و جو حاکم بر مدرسه است. با توجه به اینکه مشاهده شده اوج قلدری در مدارس در دوره راهنمایی (دوره اول دبیرستان) بروز می‌کند، نقش مشاوران در شناسایی بچه‌های قلدر و مبارزه با قلدری در مدرسه بسیار برجسته است. در این نوشتار سعی در معرفی پژوهش‌های برتر انجام شده در زمینه قلدری و راهکارهای مقابله با این پدیده داریم.

کلیدواژه‌ها: قلدری، زورگویی، قلدری دانش‌آموزان.

مقدمه

در سال‌های اخیر اخبار بسیاری مبنی بر زورگیری در جای‌جای ایران منتشر شده است و همین کافی است تا برای مدتی ذهن جامعه را به خود معطوف کند. با اندکی جست‌وجو در فضای مجازی نیز می‌توان اخبار، فیلم‌ها و تصاویر متعددی از این دست را یافت. قلدری کردن به شیوه‌های متفاوتی بروز می‌کند؛ از کسانی که در روز روشن و با اعمال زور اقدام به ربودن اموال، تجاوز به نوامیس، و آسیب به دیگران می‌کنند، تا نوجوانانی که با تهدید یا انتشار تصاویر خصوصی دیگران در فضای مجازی اقدام به زورگیری کرده و موجب حیرت مخاطبان می‌گردند و همچنین رجزخوانی‌هایی که اخیراً ارادل و اوباش برخی شهرها برای نشان دادن جایگاه خود در فضای مجازی منتشر کرده‌اند انواع قلدری‌هایی است که هر یک به نوبه خود جای تأمل دارد.

زورگیری یا قلدری^۱ پدیده‌ای است که در آن یک فرد از برتری قدرت خود استفاده می‌کند و به منظور کسب قدرت یا مال بیشتر و رسیدن به اهدافش، به‌طور عمدی و مکرر به دیگران آسیب می‌رساند (اولویوس^۲، ۱۹۷۸). در این تعریف چند نکته مهم به چشم می‌خورد. اول اینکه قلدری در یک بافت نامتعادل قدرت روی می‌دهد. یعنی فرد قوی‌تر به فرد ضعیف‌تر زور می‌گوید. حال این قدرت می‌تواند جسمانی، اجتماعی، سازمانی و یا هر نوع دیگر برتری و قدرت باشد. دوم آنکه قلدری هدفمند است و معمولاً از پیش طراحی شده است. قلدری مانند پرخاشگری یکباره و انفجارگونه نیست بلکه فرد معمولاً برای رسیدن به هدف خود و با برنامه قلدری می‌کند سوم آنکه قلدری به‌طور عمدی و مکرر اتفاق می‌افتد و نکته آخر آنکه قلدری عملی آسیب‌رسان است.

بر مبنای این تعریف قلدری با پرخاشگری کاملاً متفاوت است. مثلاً فردی که اقدام به انتشار تصاویر خصوصی دیگری کرده یا تهدید به انجام این کار می‌کند تا به اهدافش برسد یک عمل پرخاشگرانه انجام نمی‌دهد بلکه با خونسردی برای رسیدن به هدف خود ممکن است ماه‌ها نقشه هوشمندانه‌ای را طراحی کند. لذا نمی‌توان این رفتار را پرخاشگری نامید. این پدیده در سطح جامعه با نام زورگیری شناخته می‌شود و افراد زورگور ارادل و اوباش می‌نامند، اما در تحقیقات تربیتی به این پدیده قلدری می‌گویند و افراد زورگور قلدر می‌نامند.

قلدری به آنچه در اخبار و صفحات حوادث روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها ذکر می‌شود محدود نیست؛ در واقع آنچه ما در اخبار می‌شنویم مراحل پایانی حیطه عمل قلدری است. هیچ‌کس یک شبه قلدر نمی‌شود که بتواند آسایش را از یک محله و یک شهر سلب کند. اشخاص قلدر عموماً از همان ابتدا در خانواده و مدرسه قابل شناسایی هستند. قلدری نخست در خانواده بروز می‌کند و اهل خانه را آزار می‌دهد، سپس به همکلاسی‌ها، هم مدرسه‌ای‌ها، هم‌محله‌ای‌ها و هم‌شهری‌ها تسری می‌یابد و اگر به موقع و مناسب با آن مقابله یا برای آن چاره‌جویی نشود حیطه عمل قلدر از خانه به محله، منطقه و حتی شهر گسترش یافته و فرد در انجام قلدری جسورتر، خشن‌تر و قهارتر می‌شود.

از نظر روان‌شناختی، قلدری خصیصه‌ای شخصیتی است که نخست در ارتباط با دیگر افراد بروز می‌کند و سپس به خانواده و مدرسه کشیده می‌شود. امروزه قلدری یک معضل گسترده جهانی است و احتمال بروز آن در مدارس هر کشوری وجود دارد (بیرتو و اولویوس^۳، ۲۰۱۳) و از حادثه‌ترین و رایج‌ترین مشکلاتی است که مدارس با آن مواجه هستند، از آنجا که همه دانش‌آموزان حق برخورداری از یک آموزش توأم با امنیت را دارند، قلدری می‌تواند بر تعلیم و تربیت آثار منفی و گاه جبران‌ناپذیری بگذارد.

از یک منظر قلدری به دو دسته سنتی و سایبری تقسیم می‌شود. قلدری سایبری شامل تهدید به انتشار تصاویر خصوصی، افشای اطلاعات شخصی، حمله اینترنتی و... می‌شود. قلدری سنتی نیز شامل قلدری‌های زبانی (مثل متلک گفتن، زخم زبان زدن، تحقیر زبانی، لقب دادن و فحاشی و...) قلدری‌های فیزیکی (مثل زدن با پا یا دست، هل دادن و...) و قلدری‌های اجتماعی (مثل طرد کردن از گروه، منزوی کردن دیگری، دستکاری کردن روابط قربانی با دیگران، لو دادن دیگری و...) می‌شود.

برخی نیز افراد درگیر در قلدری را به سه دسته قلدر، قربانی و تماشاگر تقسیم می‌کنند. قلدرها معمولاً از نظر فیزیکی قوی‌تر بوده و از الگوی واکنش‌های پرخاشگرانه استفاده می‌کنند اما قربانیان، واکنش‌های توأم با اضطراب و ضعف جسمانی یا اجتماعی دارند (اولویوس، ۱۹۹۳). قربانیان معمولاً اعتماد به نفس ضعیف‌تر و احساس ناامنی بیشتری دارند و در برابر قلدری ایستادگی نمی‌کنند (اولویوس، ۱۹۹۳). برخی نیز قربانیان را دو دسته می‌دانند. قربانیان منفعل که قربانیان محض هستند و عمده قربانیان از این دسته هستند. اولویوس اشاره دارد که این افراد رفتارها و نگرش‌هایی دارند که موجب می‌شود ارتباط ناامنی با دیگران داشته باشند و این تصور را در دیگران ایجاد کند که قادر به تلافی کردن قلدری دیگران نیستند. در طرف مقابل قربانیان فعال هستند که علاوه بر الگوی واکنشی مضطرب، واکنش‌های پرخاشگرانه نیز دارند. پاسخ‌های پرخاشگرانه این دانش‌آموزان در کل منجر به قربانی شدن بیشترشان می‌شود. برخی‌ها به این دسته قلدر-قربانی می‌گویند.

تفاوت قلدری با اختلال سلوک در آن است که قلدری یکی از ملاک‌های تشخیص اختلال سلوک است. بنا به گفته اولویوس «قلدری می‌تواند یکی از اجزای الگوهای رفتاری ضد اجتماعی کلی‌تری مثل اختلال سلوک باشد» (اولویوس، ۱۹۹۳، ص ۳۵). در ضمن قلدری معطوف به همسالان ضعیف‌تر است و شامل پرخاشگری نسبت به حیوانات و اشیا نمی‌شود آن‌چنان که در اختلال سلوک دیده می‌شود. همچنین در معیارهای تشخیص اختلال سلوک نسخه پنجم راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی^۴ (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳) ذکر شده که «این اختلال در رفتار موجب اختلال قابل ملاحظه بالینی در عملکرد اجتماعی، تحصیلی، یا شغلی می‌شود» در حالی که قلدری لزوماً موجب اختلال در عملکرد اجتماعی، تحصیلی یا شغلی نمی‌شود. پیشینه بررسی پدیده قلدری به اولویوس (۱۹۷۸) و کارهای او در

تحقیقات نشان داده است که بهترین راه پیشگیری و مبارزه با قلدری تدوین و اجرای برنامه‌های جامع ضد قلدری است که شامل فعالیت در سه زمینه است:

**الف. آموزش گروه‌های مختلف دانش‌آموزان شامل
کودکان قربانی، کودکان قلدر و دانش‌آموزان
نظاره‌گر**

**ب. آموزش معلمان و سایر عوامل مدرسه
ج. آموزش والدین و درگیر کردن آن‌ها در فرایند
مبارزه با قلدری**

در اختیار و استقلال فرزندان از سوی مادر و عدم کمک‌های
ضروری والدین به آنها رابطه‌ای معنادار با قربانی شدن فرزندان دارد.
تحقیقات نشان داده که حمایت بیش از حد از فرزند با قربانی شدن
او در مدرسه رابطه دارد. همچنین تحقیقات نشان داده که افراد با
حمایت اجتماعی بالاتر از سوی همسالان، ۵۰ درصد کمتر قربانی
می‌شوند (افوبی و نوکولو،^۱ ۲۰۱۱)

یکی دیگر از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در بروز قلدری جو حاکم
بر مدرسه است. در مدارس با جو مثبت احتمال قربانی شدن
دانش‌آموزان کاهش و احتمال انجام رفتار حمایتی از سوی دیگر
همسالان افزایش می‌یابد (ونگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). به علاوه،
نحوه نگرش معلمان هم بر رفتارهای قلدرانه تأثیر بسزایی دارد. اگر
معلم به هنگام مشاهده قلدری در دانش‌آموزان فعالانه در آن درگیر
شود، بر هر دو طرف درگیری تأثیرگذار خواهد بود.

با توجه به شیوع قلدری و آسیب‌زا بودن آن و اینکه مدارس
یکی از اولین اجتماعی است که افراد در آن مشارکت می‌جویند
و نحوه رفتار آن‌ها در این اجتماع در آینده و در سطح وسیع‌تری
تکرار خواهد شد، اهمیت مداخله زودهنگام در قلدری مشخص
می‌شود. همچنین با توجه به اینکه تحقیقات نشان داده است
قلدری در طی سال‌های مدرسه در سال‌های اول دبیرستان به اوج
خود می‌رسد و با توجه به اینکه از سال تحصیلی جاری مشاوران
در این مقطع سازماندهی شده‌اند، اکنون فرصتی مناسب فراهم
آمده که مشاوران بتوانند نقش مؤثری در سلامت و امنیت مدرسه و
جامعه داشته باشند. لذا در این راستا راهکارهای زیر جهت مداخله
در قلدری ارائه می‌شود.

راهکارها

آنچه در مورد مداخله در قلدری مورد تأکید ویژه قرار دارد بحث
آگاهی داشتن نسبت به این پدیده است که می‌تواند بسیاری
از مشکلات را در این باره خنثی کند. پس در یک مدرسه ایمن
دانش‌آموزان، اولیا، مربیان و مشاوران باید با پدیده قلدری آشنایی
کافی داشته باشند و راه مقابله با آن را بدانند.

تحقیقات نشان داده است که بهترین راه پیشگیری و مبارزه با

مدارس برمی‌گردد. اولیوس با توجه به داده‌های جمع‌آوری
شده از ۱۳۰ هزار دانش‌آموز دریافت که ۱۵ درصد از آن‌ها در مدارس
ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان خود قلدر بوده یا قربانی قلدری
بوده‌اند. همچنین در انگلستان یک مطالعه گسترده ملی نشان داد
که ۶۸ درصد کودکان حداقل یک‌بار و ۳۸ درصد آن‌ها حداقل ۲ بار
مورد قلدری قرار گرفته‌اند (چراغی و پیشکین^۵، ۲۰۱۱). پژوهشی
نیز بر روی ۴۶۰ دانش‌آموز دبیرستانی یونان انجام شده که نشان
داد ۱۶ درصد دانش‌آموزان در طی یک ماه قربانی قلدری و حدود
۱۷ درصد مرتکب قلدری شده بودند (سایپیناکیس^۶ و همکاران،
۲۰۱۱). در تحقیقی در کشور برزیل هم معلوم شد که ۶۷ درصد
از دانش‌آموزان، در یک بازه زمانی دوهفته‌ای، در یکی از اشکال
قلدری درگیر بوده‌اند (بیرتو و اولویرا، ۲۰۱۳). در تحقیقی دیگر در
استرالیا که بر روی ۳۰۱۲ نفر دانش‌آموز انجام شد حدود ۳۹ درصد
آن‌ها درگیر در قلدری شناخته شدند (فلیپه و همکاران، ۲۰۱۱).
در مورد میزان شیوع قلدری سایبری نیز، در کانادا تحقیقی نشان
داد که ۳۲/۸ درصد دانش‌آموزان درگیر در قلدری سایبری بوده‌اند
(میشنا^۷ و همکاران، ۲۰۱۲).

در مورد ایران، متأسفانه تاکنون تحقیق جامعی در مورد قلدری
انجام نشده و لذا از میزان شیوع این پدیده در بین دانش‌آموزان
اطلاع دقیقی نداریم. البته تحقیقی توسط رشید (۱۳۹۴) در بین
دانش‌آموزان تهرانی انجام شده که نتایج آن نشان می‌دهد حدود
۱۵ درصد از دانش‌آموزان تجربه رابطه جنسی اجباری داشته‌اند که
خود یکی از مصادیق بارز قلدری است.

قلدری در مدرسه تأثیرات مخرب فراوانی بر قربانیان و حتی بر خود
قلدرها دارد. تحقیقات مختلف نشان داده که دانش‌آموز قربانی از
تأثیرات کوتاه‌مدت و بلندمدت این کار رنج می‌برد. آثار کوتاه‌مدت
شامل افسردگی، عدم علاقه به انجام تکالیف یا ترک تحصیل
می‌شود و این پیامدها می‌تواند تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا کند.
در راستای بررسی آثار بلندمدت قربانی شدن، انجام مطالعه طولی
بر قربانیان، در دوره راهنمایی، نشان داد که این افراد در سنین
بسیست سالگی، در مقایسه با همسالان خود که مورد قلدری قرار
نگرفته‌اند افسرده‌تر و از اعتماد به نفس کمتری برخوردارند. به علاوه
این پژوهش نشان داد ۶۰ درصد از پسران قلدر مقطع راهنمایی در
سنین بیست سالگی حداقل یک (و حدود دو سوم آن‌ها سه و بیشتر
از سه) محکومیت جنایی داشته‌اند که این رقم در مقایسه با سایر
دانش‌آموزان بسیار بالاست.

همچنین در تحقیقات گوناگون معلوم شده که افراد قربانی
بیشتر احتمال دارد که با دردها و ناراحتی‌های عصبی - گوارشی،
اختلالات خواب، سردردها، تنش‌های عضلانی، شب‌اداری،
پراشتهایی و چاقی یا کم‌اشتهایی و فرار از مدرسه مواجه شوند
(کوالسکی و لیمبر^۸، ۲۰۱۳).

همان‌طور که گفته شد قلدری یک خصیصه شخصیتی است که از
عواملی چند تأثیر می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که موجب
بروز رفتارهای قلدرانه می‌شود سبک فرزندپروری والدین است.
فقدان آگاهی و شناخت از مشکلات فرزندان، ایجاد محدودیت

قلدری تدوین و اجرای برنامه‌های جامع ضد قلدری است که شامل فعالیت در سه زمینه است.

۱. آموزش گروه‌های مختلف دانش‌آموزان

۱-۱. آموزش کودکان قربانی: افراد قربانی دارای رفتارهای درون‌گرایانه‌اند، شناخت‌هایی منفی و معیوب درباره خود دارند و دارای مهارت‌های ضعیف اجتماعی هستند. این افراد معمولاً با عناوینی مانند ضعیف، نایمن، آرام، احساساتی، خجالتی، و با سطوح بالای اضطراب شناخته می‌شوند. در محیط مدرسه افراد قربانی معمولاً تنها هستند و در شبکه‌های اجتماعی و دوستی همسالان داخل نمی‌شوند و یا اینکه روابط محدودی دارند و زمانی که بخواهند کسی را برای ارتباط انتخاب کنند، معمولاً افراد

غیر پرخاشگر و تنها و شبیه به خود را برمی‌گزینند. به این کودکان باید مهارت‌های دوست‌یابی و جرئت‌مندی را آموزش داد و از آن‌ها خواست که سریعاً هرگونه قلدری را به مسئولان مدرسه گزارش کنند.

۱-۲. آموزش کودکان قلدر: قلدرها نمرات

بالتری در مشکلات روانی می‌گیرند و در بروز دادن احساساتی مانند ترس و ناراحتی و غم مشکل دارند و نمی‌توانند رنج پدید آمده در افراد قربانی خود را که پیامد رفتار آن‌هاست درک کنند. آن‌ها از تسلط یافتن بر دیگران لذت می‌برند و در مدرسه معمولاً پیشرفت تحصیلی ضعیفی دارند و نمی‌توانند خود را با محیط مدرسه وفق دهند. آموزش مهارت‌های همدلی و کنترل هیجانی می‌تواند برای این دسته از دانش‌آموزان مفید باشد.

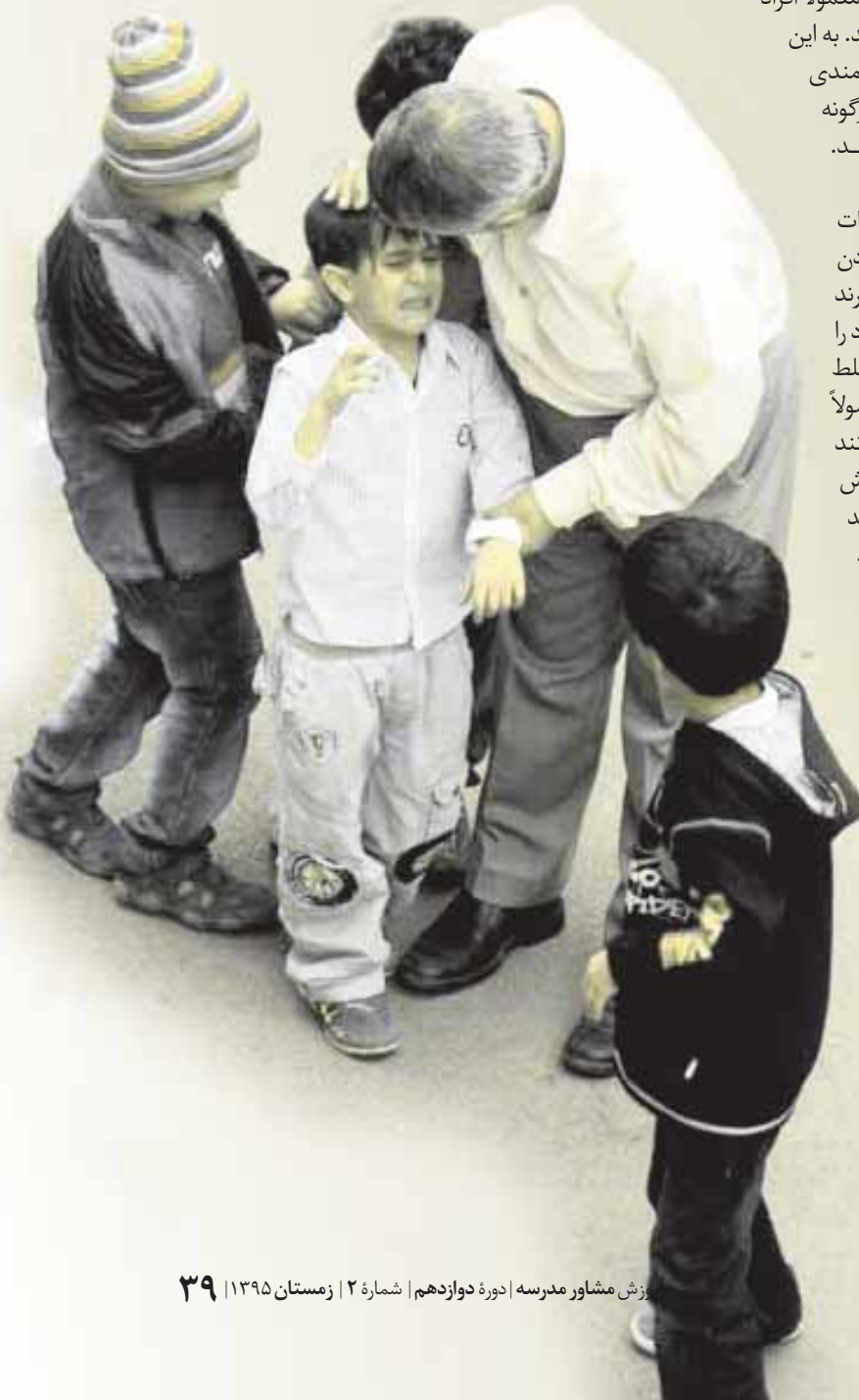
۱-۳. آموزش دانش‌آموزان نظاره‌گر: سایر

دانش‌آموزانی که نه قلدر هستند و نه قربانی (تماشاگران) می‌توانند چهار نقش مختلف داشته باشند.

- تقویت‌کننده قلدری (با فراهم کردن بازخوردهایی برای فرد قلدر).
- معاونت یا همکاری با فرد قلدر (کمک در قربانی کردن دیگری).
- نقش بیگانه (غیر منفعل باقی ماندن و در نتیجه صحنه گذاشتن بر قلدری).
- نقش دفاع‌کننده از قربانی.

ارتقای نقش چهارم یا دفاع‌کننده در برنامه‌های مداخله در قلدری جایگاه مهمی دارد زیرا رفتارهای حمایت‌گرانه تأثیرات مثبت زیادی بر افراد قربانی دارد. اما این کار برای همسالان اصلاً کار آسانی نیست. ونگ و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که در یک بافت مثبت مدرسه (ضد

قلدری) تماشاگران بیشتر احتمال دارد از قربانیان دفاع کنند و به عنوان دوست برگزیده شوند. در فرازهای متعددی از متون دینی مسلمانان، نیز به حمایت از مظلوم و ایستادگی در مقابل ظالم اشاره شده است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه به فرزندانش تأکید می‌نماید که همواره دشمن ظالمان و یاور مظلومان باشند (نهج البلاغه، نامه ۴۷). آن حضرت همچنین در نامه ۵۳ از قول رسول خدا به مالک‌اشتر می‌فرماید که به خدا سوگند! داد مظلوم را از ظالم می‌گیرم و افسار ظالم را می‌کشم تا وی را به آب‌شخور حق وارد سازم، هر چند کراهت داشته باشد. قرآن کریم نیز با صراحت به مؤمنان دستور می‌دهد که برای نجات



مظلومان به پا خیزند و حتی اگر لازم باشد دست به اسلحه ببرند و با ظالمان پیکار کنند (سوره نساء آیه ۷۵)

۲. آموزش معلمان و سایر عوامل مدرسه

۲-۱. آموزش اولیای مدرسه نسبت به مفهوم قلدری و نشان دادن تمایز آن با پرخاشگری و تأکید بر ضرورت و اهمیت مداخله بزرگ‌ترها در قلدری؛

مسئولان مدرسه باید با پدیده قلدری و جوانب مختلف آن آشنا باشند تا بتوانند با این مسئله برخورد کنند؛ آگاهی از نشانه‌های اولیه و ثانویه قلدری می‌تواند مسئولان مدرسه را در مقابله با قلدری توانمند سازد. نشانه‌های اولیه قربانی شدن در مدرسه عبارت‌اند از: نام بد بر روی دانش‌آموز گذاشتن (به‌طور مکرر) و دادن لقب‌های نامناسب به او، هل دادن وی، لگد زدن یا مشت زدن به او توسط سایر دانش‌آموزان، غصب شدن وسایلش توسط دیگران.

از نشانه‌های ثانویه قربانی شدن در مدرسه نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تنها بودن و انزواطلبی و جدا شدن از گروه همسالان، تمایل به ماندن در کنار معلم یا مسئولان مدرسه در ساعات تفریح، اضطراب، احساس غمگینی، ترس از صحبت کردن در کلاس، نشان دادن افت تحصیلی ناگهانی.

۲-۲. تدوین مقررات جامع و شفاف در ارتباط با مبارزه با قلدری در مدرسه و اطلاع‌رسانی و اجرای دقیق آن‌ها؛

۲-۳. ایجاد جو حمایتی و ضد قلدری در مدرسه؛

۲-۴. عدم تشویق قلدری در مدارس به‌طور غیر مستقیم؛ قلدری و پرخاشگری اغلب در مدرسی رخ می‌دهد که اصول اخلاق کارمندی ضعیفی دارد، استانداردهای رفتاری روشنی وجود ندارد و روش‌های انضباطی در آن بی‌ثبات و سازماندهی آن ضعیف است؛ در نتیجه نظارت کافی هم وجود ندارد یا موارد قلدری نادیده گرفته می‌شود؛

۲-۵. اقدام سریع و فوری در برابر قلدری؛

۲-۶. روش‌های کارآمد، دقیق و در دسترس برای گزارش موارد قلدری؛

۲-۷. شناسایی مکان‌ها و زمان‌های رخ دادن قلدری و مدیریت آن.

۳. آموزش والدین و درگیر کردن آن‌ها در فرایند مبارزه با قلدری

برخلاف افراد قلدر، افرادی که قربانی قلدری می‌شوند والدینی بیش از اندازه حمایتگر دارند که از قضا ممکن است در فرایند قربانی شدن‌شان نقش داشته باشند. این‌گونه والدین از قبل به فرزندانشان آموزش‌های لازم جهت مواجه شدن با مشکلات و بحران‌ها را

نداده‌اند. در مقابل، خانواده افراد قلدر اغلب آشفته است. والدین افراد قلدر به احتمال زیاد از رویکرد تنبیه بدنی استفاده کرده‌اند، فرزندان خود را طرد کرده و به آن‌ها بی تفاوت بوده‌اند و با این اعمال خود از همان کودکی نوعی مجوز برای رفتارهای پرخاشگرانه آن‌ها صادر کرده‌اند (افوبی و نوکولو، ۲۰۱۱).

در خصوص آموزش والدین توجه به نکات زیر ضروری است

- اینکه خود والدین الگویی مناسب برای فرزندانشان باشند؛
- سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه داشته باشند؛
- به هنگام وقوع قلدری از فرزندان حمایت عاطفی لازم را به عمل آورند؛

- ارتباط نزدیک و مداوم با مدرسه داشته باشند؛
- نشانه‌های قربانی شدن در مدرسه را بشناسند؛ وجود کبودی و یا خراش روی بدن، پاره شدن لباس و لوازم مدرسه که فرد برای آن‌ها توضیح قانع‌کننده‌ای نداشته باشد و یا از توضیح دادن طفره ببرد.

به علاوه نشانه‌های ثانویه مانند اینکه وقت بسیار کمی را با همکلاسی‌هایش در خارج از مدرسه می‌گذرانند و یا با آن‌ها رابطه چندانی در خارج از مدرسه ندارد، به ندرت به مهمانی دوستانش دعوت می‌شود و علاقه‌ای به رفتن به مهمانی آن‌ها ندارد یا آن‌ها را به مهمانی دعوت نمی‌کند. کم شدن اشتها، شکایت‌های جسمانی مثل دل درد در صبح‌ها و قبل از رفتن به مدرسه، انتخاب راهی طولانی‌تر برای رفتن به مدرسه، آشفتگی خواب، از دست دادن علاقه به مدرسه و افت تحصیلی، غمگینی و از طرفی تغییر خلق ناگهانی، درخواست یا دیدن پول از والدین (به منظور تأمین خواسته قلدرها)، گوشه‌گیری و انزوا ناگهانی، گریه‌های بی دلیل و بی سابقه.

همگی این موارد می‌تواند از نشانه‌های قربانی شدن در مدرسه باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Bullying
2. Olweus
3. Brito, Oliveira
4. Diagnostic And Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, (DSM-V)
5. Cheraghi & Piskin
6. Skapinakis
7. Mishna
8. Kowalski, & Limber
9. Efobi, & Nwokolo
10. Wang

منابع

۱. رشید، خسرو (۱۳۹۴). رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران، فصل‌نامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۵، شماره ۵۷، صص ۳۱-۵۵.
2. Brito, CC, Oliveira, MT. (2011). Bullying and self-esteem in adolescents from public schools. J Pediatr (Rio J), 89 (6):601-607.
3. Cheraghi, A. & Piskin, M. (2011). A comparison of peer bullying among high school students in Iran and Turkey. Procedia- Social and Behavioral Sciences, 15: 2510-2520.
4. Efobi, A. & Nwokolo, C. (2014). Parenting Styles and Tendency to Bullying Behaviour Among Adolescents. Journal of Education & Human Development, 3(1): 507-521.
5. Kowalski, RM. & Limber. SP. (2012). Psychological, physical, and academic correlates of cyberbullying and traditional bullying. J Adolesc Health, 53 (1):13-20.